

جایگاه نظریه فرا-اقتصاد¹ در تحلیل های اقتصادی

تاریخ دریافت: ۸۴/۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۵/۳/۴

دکتر محمود متوسلی²

حمید پاداش³

چکیده

هدف از ارائه این نوشتار، آشنایی با یکی از نظریات جدید در عرصه علم اقتصاد است که به نظریه فرا-اقتصاد مشهور است. در ابتدا به معرفی پیش زمینه علمی و چالشهای فرا روی علم اقتصاد رایج پرداخته، سپس سعی خواهیم کرد با معرفی مفاهیم بنیادین و مبانی فلسفی-روانشناختی و جامعه شناختی نظریه به توضیح و تشریح آن در قلمرو اقتصاد بپردازیم و جایگاه آن را در تحلیلهای و متدهای اقتصادی مورد بحث قرار می دهیم.

کلید واژه: علم اقتصاد رایج، فرا-اقتصاد، خودمحوری، دیگرمحوری، یکپارچگی.

JEL: B59, D64

1. Metaeconomics

۲. استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

۳. کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

نظریه فرا-اقتصاد چیست؟ جایگاه آن در علم اقتصاد کدام است؟ آیا نظریه‌ی جدیدی است؟ با نظریات موجود در علم اقتصاد کنونی چه تفاوتی دارد؟ و بالاخره آیا می‌تواند در عمل نیز مورد استفاده قرار بگیرد؟!

کار اصلی این نوشتار پاسخ به این پرسش‌هاست؛ برای این منظور قصد داریم با استفاده از مفاهیم و نظریه‌های رایج در اقتصاد خرد به دشواریهای آن پرداخته و با طرح بحث رفاه اجتماعی به معرفی نظریه و مفاهیم آن بپردازیم. اما از آنجا که فرا-اقتصاد نیز همچون اقتصاد رایج از نظریات فلسفی، جامعه‌شناسی و روانشناسی بهره گرفته است در ادامه به این مبانی نیز اشاره خواهد شد. به دلیل اهمیت نظری مفهوم "عقلانیت اقتصادی" و سیطره آن در علم اقتصاد رایج، رویکرد فرا-اقتصاد درباره آن نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. فرا-اقتصاد در تلاش است تا به عنوان یک نظریه اقتصاد رفتاری، تبیین دقیق تری از واقعیات را ارائه دهد. لذا باید دید تا چقدر توانسته از عهده این کار برآید. درباره بدیع بودن فرا-اقتصاد مباحث زیادی وجود دارد؛ ما در اینجا فقط به ریشه‌های آن در دیدگاه آدام اسمیت خواهیم پرداخت.

علم اقتصاد به سان هر علم اجتماعی و انسانی دیگری با مطالعه رفتار و کردار انسانی سروکار دارد. لذا در تاریخ تفکر اقتصادی تلاش‌های بسیاری برای مطالعه و درک دقیق رفتار عاملان اقتصادی صورت گرفته است. در اقتصاد رایج برای این منظور حتی از رشته‌های علمی دیگر نیز نظیر روانشناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، فیزیک، زیست‌شناسی و ترمودینامیک بهره گرفته می‌شود. حاصل، همان علم اقتصادی است که ما اکنون با آن مواجهیم.

در اقتصاد خرد معمولاً از مفهوم "مطلوبیت" به عنوان نقطه آغازین برای تحلیل رفتار مصرف‌کننده استفاده می‌شود و براساس فرض مهندسی حداکثر سازی مطلوبیت با توجه به محدودیت بودجه‌ای فرد، به میزان مصرف او از کالاهای در دسترس دست می‌یابیم. در این فرآیند، مطلوبیت هر فرد تابعی است از میزان مصرف کالاها توسط "خود" وی، و رفتار هر مصرف‌کننده تحت تأثیر رفتار دیگران قرار نمی‌گیرد.

در نظریه تولید نیز وضع به همین منوال است؛ تولیدکننده در پی حداکثر سازی سود و یا درآمد "خود" می‌باشد. هر فردی در حصار فردیت خود اسیر می‌گردد و برای خود دژی محکم در مقابل "دیگری" می‌سازد. ما مفهوم "دست نامرئی" اسمیت را چنین فهمیدیم که اگر کسی در مقام فرد در پی منفعت خود باشد از طریق نیروی

همان‌گونه که خودکار یعنی نظم بازار، منافع عموم نیز حاصل می‌گردد. و همین فهم از اسمیت است که موجب شده است هنوز نتوانیم شکاف میان واحدهای فردی و واحدهای کلی را که در قالب شکاف میان اقتصادخرد و اقتصادکلان جلوه می‌کند با دقت و به طور مشخص پر نماییم و این را اقتصاد دانان، خود اعتراف کرده اند.^۱

اما در نظریات بسط یافته اقتصادخرد می‌توان ایده روابط بین افراد و رابطه فرد با جامعه به مثابه یک کل را مشاهده نمود؛ برخلاف نظریه مصرف کننده، اگر بازار یک محصول مشخص از فرآیند انحصار چند جانبه تبعیت کند دیگر نمی‌توان رفتار هر تولید کننده را مستقل از رفتار دیگران تصور کرد. تفاوت اساسی این بازار با بازارهای دیگر (رقابت کامل و رقابت انحصاری) در "وابستگی متقابل"^۲ تصمیمات یک تولید کننده با تصمیمات و رفتارهای دیگر تولید کنندگان است. در این حالت دیگر هیچ نظر از پیش تعیین شده‌ای در مورد رفتار و تصمیمات انحصارگران چند جانبه وجود ندارد بلکه بسته به مجموعه فرضیاتی که برای رفتارشان در نظر می‌گیریم به راه حل‌های متفاوتی دست می‌یابیم و به همین دلیل مدل‌های مختلفی نظیر مدل رقابتی، مدل کورنو، مدل اشتاکلبرگ و... برای تبیین بازار انحصار و چند جانبه به کار گرفته شده‌اند. از سوی دیگر، نظریه بازیها نیز رفتار متقابل دو یا تعداد بیشتری از افراد را که هر کدام به دنبال حداکثر سازی سود و یا حداقل سازی هزینه هستند بررسی می‌کند. در این نظریه هیچ یک از بازیگران به درستی نمی‌توانند طرز رفتار دیگری را پیش بینی و کنترل کنند. لذا از آن برای تحلیل رفتار انحصارگران چند جانبه استفاده می‌شود.^۳

رویکرد سیستمی وکل نگرانه به اقتصاد خرد محدود و خلاصه نمی‌شود؛ در اقتصاد کلان نیز مکتب نهاد گرایی به اقتصاد به عنوان یک کل واحد و متشکل از اجزای متقابلاً وابسته نگاه می‌کند. در این مکتب نیز انسان موجودی اجتماعی و مشارکت جوست که برای حفظ منافع متقابل و مشترک خود با دیگران به تشکیل گروه یا اجتماع مبادرت می‌ورزد (متوسلی، ۱۳۸۲، ۳۶۶).

۱. برای نمونه به هندرسن و کوانت (۱۳۸۱) ص. ۱۳ مراجعه شود.

2. Interdependency

۳. برای مثال نگاه کنید به: هندرسن و کوانت، صص. ۳۳۰-۳۱۳ و واریان، صص. ۳۲۸-۲۹۸.

با این همه تصور عمومی در اقتصاد بر این است که نمی توان نظریه ای را ارائه داد که انسان در آن هم خودمحور باشد و هم دیگرمحور؛ نظریه ای که بتواند به فرد به عنوان جزئی از یک کل نگاه کند و فرد را همواره در کنار دیگری لحاظ نماید. واقع این است که وجود فرد منوط به وجود یک سیستم اجتماعی است و سیستم اجتماعی نیز متشکل از افرادی است که در عین ارتباط با یکدیگر دارای استقلال فردی نیز هستند. جامعه شناسان و روانشناسان به تبعیت از نگرش های فلسفی توانسته اند در قالب رویکرد سیستمی به این مسأله بپردازند.¹

علم اقتصاد، مدتهای مدیدی از این واقعیت چشم پوشی کرده بود. در دهه های اخیر، می توان اقتصاددانانی را مشاهده کرد که برای این مهم نقش اساسی قائل هستند. بدون اینکه لازم باشد از فرد خاصی نام برده شود می توان نظریه پردازان اقتصاد رفاه را از این زمره دانست. اما می دانیم هنوز جنجال های علمی بر سر اینکه آیا موضوعات اقتصاد رفاه را می توان از مباحث اصلی اقتصاد دانست، پایان نپذیرفته است.

تابع مطلوبیت اجتماعی چه مفهومی دارد؟ آیا می توان به یک تابع رفاه اجتماعی دست یافت؟ اگر می توان، چگونه؟ اقتصاد رفاه راه درازی در پیش دارد تا به مثابه یک علم به ابزارهای تحلیلی قوی برای تبیین رفتار های اجتماعی مجهز گردد. هنوز راه های نرفته زیادی در پیش رو دارد و در صورتی که قیل و قال های اقتصاددانان در باب اقتصاد رفاه و در قلمرو آن به فرجام خوشی منتهی گردد می توان با اطمینان نسبی بیشتری به اعتبار نظریه های مربوط به رفاه اجتماعی امیدوار و متکی شد.

می توان پذیرفت که مطلوبیت و رضامندی هر فرد از مصرف کالاها مستقل از میزان مصرف دیگران نیست بلکه علاوه بر این، مطلوبیت ها نیز با یکدیگر وابستگی متقابل دارند. هر فردی چه بسا مطلوبیت و رضامندی خود را از کمک به دیگران و خیر خواهی به دست آورد و چه بسیار کسانی که بی منت چیزی، چنین می کنند. در اقتصاد خرد متعارف، در حوزه مصرف، شرط بهینگی پارتو زمانی برقرار می گردد که "اصل استقلال خواسته ها"² برقرار باشد در حالی که اگر فرض کنیم مطلوبیت هر فرد به میزان مصرف دیگری وابسته است حتی تحت شرایط رقابت کامل نیز بهینه

۱. برای آشنایی با مبانی رویکرد سیستم ها می توانید به مقاله ای در باب نیکلاس لومان، واضع این نظریه، رجوع کنید: ارغنون، شماره ۱۷.

پارتو حاصل نمی شود. ایتارکری و نوع دوستی می تواند باعث شود تا با افزایش سطح مطلوبیت هر شخص، سطح مطلوبیت دیگری نیز افزایش یابد. نتیجه معکوس زمانی حاصل می شود که تمایل به رقابت در مصرف بیشتر میان مصرف کنندگان وجود داشته باشد. در این شرایط، ترکیب بهینه کالاهای مصرفی هر مصرف کننده بستگی به سطح مصرف دیگران دارد. بنابراین با افزایش مصرف یکی، سطح مطلوبیت دیگری می تواند افزایش یا کاهش یابد. در هر حال مطلوبیت هر فرد با توجه به مطلوبیت دیگری حداکثر می گردد. (هندرسن و کوانت، ۴۲۳-۴۱۵).

به عبارتی، شرط بهینه پارتو با برابری نرخ نهایی جانشینی کالاها برای مصرف کنندگان برقرار می گردد. می توان در حوزه تولید نیز به نتایج مشابه دست یافت. همچنین، زمانی که کالایی به طور عمومی مورد استفاده قرار گیرد افزایش مطلوبیت یکی از مصرف آن ممکن است به کاهش مطلوبیت دیگری منجر نگردد و نباید انتظار داشت که بهینگی پارتو در این حالت برقرار باشد. از سوی دیگر در اقتصاد رفاه، فرض جمع پذیر برای به دست آوردن تابع رفاه اجتماعی همان فرض استقلال خواسته هاست و ما تابع رفاه اجتماعی را با جمع زدن یکایک مطلوبیت های افراد به دست می آوریم بدون آنکه تشخیص دهیم که چگونه می توان مطلوبیت افراد دارای استقلال را با یکدیگر مقایسه و جمع زد. اما مسأله امکان مقایسه مطلوبیت های افراد برای تحلیل رفاه عمومی به تازگی وارد مرحله جدی تری شده است؛ به عنوان مثال، نظریه جان راولز در باب مقوله عدالت بازتابی از مقایسه مطلوبیت هاست. به نظر راولز، رفاه یک جامعه همواره نسبت به وضع فقیرترین فرد جامعه سنجیده می گردد. تابع رفاه اجتماعی مورد نظر وی، نشانگر حداقلی از مطلوبیت های افراد است که با بهینه کردن آن تحت شرایط معین نابرابری ظهور پیدا می کند. (همان مأخذ و نیز نگاه کنید به راولز ۱۳۸۳).

اما این همه را چه ارتباطی با موضوع نوشتار است؟ با این مقدمه به نظر می رسد اکنون می توان به معرفی ایده مورد بحث پرداخت.

معرفی نظریه

"نظریه فرا- اقتصاد" نظریه ی تقریباً نوینی است که در دانشگاه نبراسکا واقع در شهر لینکلن، مرکز ایالت نبراسکا در ایالات متحده، تدوین و پایه گذاری شده است و هنوز از تولد آن یک دهه نگذشته است. همچنین به درستی نمی توان پایه گذاری آن را

به یک فرد خاص نسبت داد. در حال حاضر اقتصاددانان این دانشگاه پروفیسورگری لین¹ و جوآن دو کاسترو² مشغول بررسی وجوه پژوهشی و کاربردهای این نظریه می باشند و همین متفکرین را می توان اصل نظریه پردازان آن دانست. این نظریه در واقع یک نظریه جامعه شناختی _ اقتصادی است و به این معنا می توان آن را یک نظریه بین رشته ای دانست.

نظریه فرا- اقتصاد، سرشت انسان را نه تنها لذت جویانه _ خودمحرانه، بلکه همدلانه - نوع دوستانه و شاید حتی ایثارگرانه می بیند. این نظریه بر آن است تا علم اقتصاد جدیدی را مطرح کند که در آن اقتصاد و اخلاق به طور همزمان ملاحظه می گردد. چرا که رفتارهای انسان نشانگر آن است که آدمی چه بسا در قربانی کردن خود برای دیگری دریغ نرزد. رفتاری که از انسانها سر می زند محصول رابطه ی متقابل آنها است. در واقع نظریه ی فرا- اقتصاد از اقتصاد خرد ارتدوکسی "فراتر" می رود و در کنار منفعت شخصی³، "منفعت دیگری"⁴ را مطرح می کند؛ در این نظریه، پیوند میان دیگر خواهی نوع دوستانه و همدلانه در یک بازخورد متقابل و منظم با خودخواهی لذت گرایانه و خودمحرور تکامل می یابد. هدف هرکسی در زندگی اجتماعی و اقتصادی، انجام دادن "کار درست"⁵ است و در حالی که در پی حداقل سازی درد هستیم خواهان حداکثر سازی لذت نیز می باشیم و در اصل تفاوت منفعت و هزینه را با قید انجام دادن کار درست به حداکثر می رسانیم. قبل از تفصیل بیشتر تعریف برخی مفاهیم اصلی ضروری به نظر می رسد.

در این رویکرد، "منفعت دیگری" در برابر منفعت شخصی مورد نظر در اقتصاد ارتدوکسی تعریف می شود. "درون - فرد"⁶ در مقابل "بین - فرد"⁷ مطرح می شود. درون - فرد حالتی است که در آن "دیگری" با "من" یکی است و بین - فرد به روابط

-
1. Gary Lynne
 2. Juan de Castro
 3. Self-interest
 4. Other-interest
 5. Right thing
 1. Intraperson
 2. Interperson

میان افراد با یکدیگر و رابطه ی میان آنها در یک خانواده و یا بنگاه و رابطه ی این نهادها با هم اشاره دارد.

"من - تو"¹ مرز میان من و دیگری را از میان برمی دارد. براساس رویکرد فرا- اقتصاد، انسانها سه پاره (یا سه ساختی) هستند و در بطن یک تثلیث قرار دارند: "خودمختاری، دگرمختاری، همسانی"². بنا به تعریف، سرشت انسانها در برگرفته ی امیال لذت گرایی - خودمحوری³ و همدردی - همدلی⁴ به طور همزمان می باشد. برای هماهنگ سازی دو منفعت، نظریه فرا- اقتصاد مدل "اراده و خویشنداری/ انضباط"⁵ را پیش می کشد. چنین کاری می تواند به ما امید دهد که شکاف میان اقتصاد خرد و اقتصاد کلان را برای همیشه پر بکنیم. در این نظریه فرض بر این است که هنجارها و ارزشهای اجتماعی رفتار افراد و رابطه میان افراد یک موسسه یا خانواده و نیز رابطه میان خانوارها و بنگاه ها را متأثر می سازد. در واقع افراد، شبکه های مبتنی بر هنجار ایجاد می کنند. با این حال، نظریه فرا- اقتصاد بر "درون فرد" تأکید و تمرکز دارد تا "بین فرد". زیرا، "ما" و "دیگری" برای فرد درونی است. در این رویکرد، "خود شکوفایی"⁶ مورد نظر آبراهام مازلوکلید ثروت ملل است. "من" نیازمند "ما" برای بودن است و در همان حال بدون "من"، "ما" وجود ندارد. بدین ترتیب، این رویکرد به دنبال یک نظام تحلیلی و صوری است تا این همبستگی متقابل میان امیال خود محورانه و دیگرخواهانه ی انسان را تبیین کند؛ موقعیتی که در آن فرد با دیگران همسان و یکی می گردد حالت "من - تو" نامیده می شود (هر یک از این اصطلاحات را می توان به طرق گوناگونی ترجمه کرد؛ در اینجا سعی شده است از کلمات مأنوس استفاده گردد و تأکیدی بر انتخاب یک معادل مشخص برای هر یک از آنها وجود ندارد).

افراد در عین استقلال و اتحاد در یک محیط دارای فشار بیرونی مستمر به دنبال تعادل و یکپارچگی هستند. لذا امکان دو حوزه از مطلوبیت غیر قابل مقایسه یعنی لذت

3. I- Thou

4. Autonomy-Heteronomy- Homonomy

5. Egoism- Hedonism

6. Empathy-Sympathy

7. Will and Self-control /Discipline

8. Self- Actualization

و اخلاق وجود دارد و این بدان معناست که دو مجموعه از منحنی های بی تفاوتی هم پوش وجود خواهند داشت و در همین جاست که از اقتصاد خرد استاندارد جدا می گردد. وجه تمایز بنیادین این نظریه از سایر نظریه های موجود جامع بودن آن است و تمام اهمیت آن هم در همین است و مدعی است که نظریه نوینی را به جهان علم ارائه می دهد. روشن است که این نظریه نیز همچون اقتصاد غالب در پی علل فقر و ثروت ملل است لیکن ابزارهای تحلیلی آن با ابزارهای موجود کاملاً متفاوت است. نظریه فرا - اقتصاد بر خلاف نظریه حاکم با دو مجموعه از منحنی های بی تفاوتی آغاز می کند و همین، برای نمایش تفاوتی بنیادین آن با رویکرد موجود کفایت می کند. وقتی از امکان "از خودگذشتگی واقعی"¹ سخن به میان می آید اقتصاد خرد استاندارد نادیده گرفته می شود بدین معنا که از آن فراتر می رود. این نظریه تحلیل آلفرد پارتو را براساس جعبه اجورث به چالش فرا می خواند زیرا دیگر افزایش مطلوبیت یکی مستلزم کاهش مطلوبیت دیگری نیست در حالی که بهینه پارتو بنا به تعریف چنین است. همچنین فرا- اقتصاد مفهوم اشتراک در تولید را به همه مباحث اقتصادی تعمیم می دهد چرا که به نظر می رسد وابستگی متقابل بهتر می تواند واقعیات اجتماعی و انسانی را تبیین کند.

فرا- اقتصاد در پی این نیست که نظریه نهایی گرایان را به کلی کنار بگذارد بلکه بر آن است تا نشان دهد که گستره² شناختش از رفتار اقتصادی به فردگرایی روش شناختی محدود نمی شود؛ در اینجا با فرد به مفهوم نظری آن مواجه نیستیم بلکه فردی مورد مطالعه است که با یک خویشنداری منظم در پی ایجاد توازن میان امیال خودمحورانه و امیال دگرمحورانه اش می باشد و به همین دلیل است که دو دسته از بی تفاوتی های هم پوش وجود دارد: یکی همان بی تفاوتی بی که در نظریه نهایی گرایان مرسوم ترسیم می شود و دیگری، بی تفاوتی مربوط به رفتار دگر خواهانه فرد.

مسئله، دستیابی به توازن و ترکیب بهینه ای از امیال دوگانه است و این همان سهم اصلی فرا- اقتصاد در اندیشه اقتصادی است.³ از سوی دیگر، فرا- اقتصاد نظم خودجوش اجتماعی را انکار نمی کند اما برخلاف کسانی نظیر هایک نیز بر آن نیست

1. True Self- sacrifice

2. Scope

۱. باید دانست که فرا اقتصاد اساساً در مقابل نظریه اقتصادی رایج و از جمله نظریه نهایی گرایان موضع گیری می کند هر چند در این کار در آغاز راه است

که این نظم محصول تکامل غیر تعمدی و ناآگاهانه است. به نظر می رسد فرا- اقتصاد یک رویکرد هستی شناسانه^۱ به نظم خودجوش اجتماعی داشته باشد تا یک رویکرد معرفت شناسانه آنچنان که در هم در نظریه نهایی گرایي و هم در رویکرد هایکی وجود دارد. همچنین، فرا- اقتصاد بر خلاف هایک تکاملی نمی اندیشد و یا حداقل در آن از فرآیند تکاملی شکل گیری اجتماع سخنی به میان نمی آید. به هر حال، هایک نیز چنین می اندیشد که آزادی پی گیری اهداف فردی برای یک نوع دوست کامل همان اندازه مهم است که برای یک خودخواه تمام عیار.^۲ این نکته را فرا- اقتصاد انکار نمی کند.

با این همه، در هر یک از این نقطه نظرات مربوط به نهایی گرایي و رویکرد ها یکی باید توجه داشت که از آنجا که زبان فرا- اقتصاد با زبان هر یک از رویکردهای دیگر به نحو بارزی متفاوت است و نیز در آغازین راه های اندیشه اقتصادی نوین است انتظار نمی رود که به تمام رویکردهای موجود پاسخ یقینی داده باشد. اهمیت مطالعه این نظریه در این است که حتی اگر با واقعیات موجود در دنیای کنونی ما منطبق نباشد و یا از نقطه نظر تئوریک انسجام و سازگاری نداشته باشد و در نتیجه از روایی علمی برخوردار نباشد باز هم نمی توان کاملاً از ادعاهای آن چشم پوشید چرا که در وهله اول ما را با یک چالش مواجه کرده و در وهله دوم، چیزی بر اندوخته دانش مان افزوده است. هر چند ادعای نظریه پردازان فرا- اقتصاد بسی فراتر از اینهاست. به نظر آنها فرا - اقتصاد یک مفهوم است و بر اساس آن یک تحلیل همه جانبه از رفتار انسان می توان نشان داد. توجه داریم که در دنیای معاصر علوم اجتماعی، بر اساس رویکردهای سیستمی و کل نگرانه و نگاه ارگانیک به پدیده های اجتماعی، دیگر ایده کلاسیک فردگرایی مطلوب و مقبول نیست.

رابطه فرا - اقتصاد و فردگرایی کلاسیک لیبرالستی را می توان از زبان هایک بصورت غیر مستقیم بازگو کرد؛ ویژگی های ضروری فردگرایی واقعی چه می باشد؟ این نظریه در درجه اول یک نظریه در رابطه با جامعه می باشد. تلاشی است برای درک نیروهایی که زندگی اجتماعی انسان را تعیین می کنند. فردگرایی استدلال های خود را بر فرض وجود افراد خویشندار و مجرد بنیان می نهد. در مقابل، دیدگاه جامعه

2. Ontologic

۳. برای بررسی آرای هایک و مقایسه آن با فرا- اقتصاد رجوع کنید به: هایک (۱۳۸۰) ص. ۹۴ و گری (۱۳۷۹) ص. ۴۷.

کرایانه بران است که تمامی ذات و شخصیت انسان توسط جامعه تعیین می گردد.¹ به عبارتی، در فردگرایی این فرد است که مقدم بر جامعه و وجود جامعه مقوم به وجود فرد است. در حالی که در جامعه گرایی، وجود فرد مسبوق به وجود جامعه است. فرض فرد گرایی این است که کل همواره برابر است با مجموع اجزای تشکیل دهنده آن. اما فرا - اقتصاد بر آن است تا وجود فرد را در جامعه تصدیق کند و در همان حال بپذیرد که منفعت دیگران از طریق جلب افراد دیگر در درون جامعه شکل می گیرد. بنابراین نمی تواند بپذیرد که کل همواره برابر مجموع اجزایش می باشد بلکه کل چیزی بیش از مجموع اجزا را تشکیل می دهد.

فرا - اقتصاد تحلیل خود را با فردی آغاز میکند که هر دو وجه منافع شخصی و منافع دیگری را همزمان دارا می باشد و فرد را به عنوان سرچشمه کنش فرض می کند. در این نظریه، افرادی که دارای "اراده" و "خودسامانی"² کافی هستند می توانند بر انتخاب های فردی خود مسلط باشند. از این دید این افراد هستند که در گروه ها فعالیت انجام می دهند و نه گروه ها. و افراد این پتانسیل را دارند که به سطح بالاتری از هر دوی منفعت شخصی و دیگر خواهی ارتقاء یابند. بدین ترتیب در این نظریه مفهوم یکپارچگی³ نقش کلیدی دارد؛⁴

در علوم اجتماعی، "یکپارچگی" اغلب با توجه به تمایل طبیعی اندیشه انسان به تکیه بر الگوهای کلی موجود در حیات، برای تبیین واقعیات اجتماعی، به عنوان فرآیند انطباق اجزاء با کل مد نظر قرار می گیرد. هم از نظر جامعه شناسی و هم از نظر ریاضی، یکپارچگی یا ادغام به معنای عمل وحدت بخشیدن به عوامل ناهمسان و متمایز است. یکپارچگی به تشکیل هنجارها، عادات و باورهای عقیدتی حاکم تجلی می یابد (یعنی مدل های اجتماعی - فرهنگی کردار). به نظر پارسونز، شیوه ای که ما در ایفای نقش هایمان و انجام اعمالی که این نقشها بر ما تحمیل می کنند پیش می گیریم درجه یکپارچگی ما را در گروه و از طریق گروه در نهاد معین می کند. هر نظام

1 Hayek, 1948, p.6

2. Self-discipline

3. Integration

4. این واژه نسبتاً جدید است. از ریشه لاتینی Tag به معنای لمس کردن گرفته شده است و از واژه های integer و intactus مشتق می شوند.

Integrate به معنای تجدید کردن و کامل کردن است (ساروخانی، ص. ۱۸۲). "یکپارچگی گرا (integrationist)" کسی است که مدافع

یکپارچگی اجتماعی است و برای آن تلاش می کند (The American Heritage dictionary, p.938)

اجتماعی، خواه صورت نهایی یافته باشد و خواه نیافته باشد، باید راه حلی برای مساله یکپارچگی اعضای خود به ویژه از طریق توزیع قدرت، اعتبار، مسئولیت و همبستگی ارائه دهد. باید به توزیع نقشها، کارکردها و شیوه های مشارکت پرداخت که افراد با اعمال خود در بطن «وفاق عمومی» ادغام شوند. شرایط هستی و داده های طبیعت، بنیاد یکپارچگی است اما تحقق یکپارچگی در جامعه، مستلزم حداقل مشارکت ارادی است.

یکپارچگی به عنوان داده طبیعی، داخل شدن فرد در یک محیط اجتماعی - فرهنگی و تعلق حاصل و یا تحمیلی نسبت به چارچوب ها، ساخت ها و شرایط اجتماعی است درحالی که به عنوان محتوای وجدانی، به معنای جذب ارزش ها و هنجارهای اجتماعی - فرهنگی در چارچوب شخصیت و زندگی با آنان را می رساند. یکپارچگی می تواند یکسان شدن فرد و محیط، جذب شخص توسط محیط و یا جذب درونی محیط توسط فرد و تعهد وی را در برابر محیطش به عنوان عضوی همبسته و مسؤول برساند.¹ از دید آنجل²، یکپارچگی به منزله تأکید بر مجموعه اهداف و ارزش ها یی است که اعضای گروه بدان روی می آورند و این اهداف و ارزش ها، نقش تعیین کننده در حیات آن گروه ایفا می کند. درتبیین این دیدگاه باید به سه نکته توجه داشت:

- (۱) بنابر پوزیتویسم، یکپارچگی با نوعی هم افزایی³ جسمانی و مستقل از اراده شرکت کنندگان، و حتی وراي خواست آنان و گاه خلاف آن یکسان است؛
 - (۲) از دیدگاه اشتباه ماتریالیستی، اصل یکپارچگی در فعل و انفعال نیروهای تعیین کننده در طبیعت جستجو می شود؛
 - (۳) از دید اشتباه ایده آلیستی، یکپارچگی تنها در آرمانها و ارزشهای مجرد یافت می شود (ساروخانی، ۱۳۷۵، ۴-۱۸۱).
- برای تبیین بهتر نظریه فرا- اقتصاد اشاره تفصیلی به یکی دیگر از مفاهیم آن ضروری می باشد.

۱. نگاه کنید به: یان کرایب (۱۳۷۸).

2. Angel

3. Synergy

دیگر خواهی^۱ از ریشه Alter به معنای دیگر یا دیگری مشتق شده است. در زبان محاوره به معنای آمادگی خدمت برای دیگران بدون پاداش را می‌رساند و مستلزم نوعی ایثار است که از آن میل به خوبی کردن، خواست دیگران را در نظر گرفتن، نیازهای آنان را برآوردن و به یاری آنان شتافتن برمی‌آید. این واژه را آگوست کنت ابداع کرد و آن را برای نشان دادن احساسات مغایر با خودخواهی به کار گرفت. به نظر کنت و پوزیتیویستها، دیگر خواهی بیش از آنکه نوعی تقوا تلقی شود تمایلی برخاسته از ویژگی‌های ذاتی موجود زنده به شمار می‌رود و به تمایلات و غرایز مبتنی بر مهرورزی (نظیر محبت و فداکاری) مرتبط می‌شود که همچون تمایلات خودخواهانه، ذاتی آدمی است. به نظر آگوست کنت، دیگر خواهی، تجلی کار کردی برخی از عناصر مغزی است که بر اثر عواملی، امکان شکوفایی یا رکود آنان وجود دارد (همان، ص. ۱۲).

چرا "Meta"؟

بر اساس فرهنگ لغت وبستر، "Meta" اشاره دارد به «فرا تر رفتن، بالا رفتن، ماورای ... بودن، از حد ... بیرون بودن»^۲. نظریه فرا- اقتصاد از خودگرایی و منفعت شخصی فراتر می‌رود همچنان که از همدلی و منفعت دیگری. فرض می‌کند افراد علاوه بر خودگرا بودن، می‌توانند دیگرگرا، همدرد و شاید حتی لاقفل در برخی زمانها، فداکار باشند. این تنوری بر آن است تا علم اقتصاد را با جهت‌گیری ارزشی و ایدئولوژی‌یکش که همواره در پشت ضمیر ناخودآگاه دارد متصل کند. دیدگاه فرا- اقتصاد خط‌مشی ایدئولوژیکی بازمانده در دست نامرئی را مرئی می‌سازد و مطالبات افراد را که در قالب هنجارها و ارزشهای متنوع گروه‌ها جلوه‌گر می‌شود مورد توجه قرار می‌دهد. زمینه رابطه میان افراد و دیگران را در درون یک خانواده / بنگاه (نوعی از تبدیل خرد به کلان) نشان می‌دهد. در عین حال حاکی از زمینه موجود میان خانواده / بنگاه و خانواده‌ها / بنگاه‌ها در یک جامعه نظام‌مند است (یعنی نوع دیگری از تبدیل خرد به کلان).

شکاف میان اقتصاد خرد و کلان رفع می‌شود به دلیل آنکه دیگر فرد جدا از اجتماع نیست بلکه با آن یک کاسه شده است؛ رفتار اقتصادی در سطح خرد نمایانگر

1. Altruism

2. Webster, p. 721

رفتار اقتصادی در سطح کلان است و برعکس. زیرا، این دیدگاه بر روابط میان فرد و دیگران متمرکز می شود و از اساسی ترین نیازهای مطرح شده در منفعت شخصی (تغذیه، سرپناه) به سمت نیازهای والاتری پیش می رود که غالباً نیازمند توجه به امر بایدی¹ اخلاقی یعنی همدردی، دیگرخواهی و خودشکوفایی است. Meta، همچنان بر خرد به عنوان سرچشمه کنش² تأکید می کند. هم منفعت شخصی و هم منفعت دیگری متعلق به فرد است. مفهوم "هستی متمایز"³ در Meta، از آنجا ناشی می شود که فرد خود را از طریق همدردی و همدلی متأثر می کند. این هستی متمایز به طور بالقوه در یک مرحله والا ظاهر می شود. Meta از خود خواهی و آز و طمع و شاید لذت باوری، به سوی هستی متمایز که در آن منفعت شخصی مشروط است فرا می رود و نفع شخصی و نفع دیگری را برابر و همزمان و مشترک تعقیب می کند و در نهایت هر دو بعد اخلاقی / عاطفی و بعد فردی/ خودگرایانه تجربه انسانی در دنیای واقع را مدل سازی می کند.

مبانی فلسفی

اگر بپذیریم که هر نظریه ای از یک پشتوانه فلسفی برخوردار است برای فرا- اقتصاد نیز می توان از چنین پشتوانه ای صحبت کرد؛ از حیث فلسفی، به یک نظریه دوگانه می توان نگریست: از نظر هستی شناختی و از نظر معرفت شناختی. فرد معتقد به هستی شناسی نیازی نمی بیند که با تعریف دانش و پرسش از چگونگی حصول آن، سازگاری منطقی و انسجام آن را مورد بحث قرار دهد چرا که هستی شناسی به نظریه تا آنجا می پردازد که درباره "امور موجود"⁴ خبر می دهد. معرفت شناسی به پرسش «دانش چیست؟» پاسخ می دهد و لذا با مطالعه ماهیت و مبانی دانش سروکار دارد. پاسخ به اینکه «دانش چگونه به دست می آید؟» را متدولوژی بر عهده می گیرد. متدولوژی نتیجه معرفت شناسی است و از این نگاه، درک و فهم هر نظریه مستلزم درک مشکل و مسأله ای است که برای حل آن مطرح شده است. در واقع باید دید یک نظریه به "چه مسأله علمی" و "چگونه" پاسخ داده است.

1. Ought to

2. Well - spring of action

3. Distinct entity

1. Beings

پاسخ فرا- اقتصاد را درباره مساله و نحوه تبیین آن پیش از این مطرح کردیم. اما منبع اصلی فکری نظریه فرا- اقتصاد به کتاب "من و تو"^۱ اثر مارتین بوبر^۲، فیلسوف و جامعه شناس اتریشی (۱۹۶۸-۱۸۷۸)، بر می گردد. براساس نظر بوبر، انسان به دلیل دوگانگی خطابه های بنیادین خود، در جهان حضور دوگانه دارد؛ ۱- خطابه متشکل از ترکیب عبارت "من-تویی" ۲- خطابه متشکل از ترکیب "من-اویی". مفهوم "من" در این دوخطابه یکسان نیست. "من" به مثابه یک وجود مستقل هرگز واقعیت نمی یابد. به زبان آوردن "من"، "تو" یا "او" را نیز به واقعیت فرامی خواند. تمام واقعیت زندگی از رابطه "من-تویی" سرچشمه می گیرد؛ من محتاج تو هستم تا من شوم. رابطه "من-تویی" یعنی یک رفتار دو جانبه متقابل. واقعیت زندگی ما به طور شگفت انگیزی با جریانات دو جانبه و متقابل به هم بافته شده و وحدت یافته اند. کسی که نتواند انسان رو در روی خود را "تو" خطاب کند یعنی نمی تواند او را بپذیرد و در نتیجه مجبور می شود یا خود و یا مخاطب خود را نفی کند.

به این ترتیب بوبر فرض می کند که شناخت ما از تمام روابط و مفاهیم، و تشخیص ما از تمام انسانها و سایر موجودات جهان، از درون روابط متقابل ما با اجزای جهان شکل گرفته اند. سازمان ها و تشکیلات اجتماعی واقعیت های مستقل به هم پیوسته و نسبتاً منظم در دنیای خارج هستند که انسانها در آن کار می کنند، مطالعه می کنند، رقابت می کنند، قضاوت می کنند و با یکدیگر به معاشرت و صحبت می پردازند. احساسات و عواطف نیز واقعیت های مستقل در درون انسان اند که پناهگاه آدمیان در مبارزه با جهان بیرونی هستند. اما احساسات نیرومند همواره به درون تشکیلات و سازمان های اجتماعی نفوذ می کنند. انگیزه های منفعت جویانه و قدرت طلبانه آدمی می تواند در واقعیت دهی به زندگی وی سهم و موثر باشد اگر و فقط اگر در روح تو-گویی و برقراری روابط متقابل سهم کردند. هیچ انگیزه ای از انگیزه های انسان مضر نیستند مگر آنگاه که جدا و مستقل از وابستگی های وجود وی ابراز کردند. بدین ترتیب، تضاد جزء ذاتی زندگی ماست و هرکس بخواهد جز با زیستن همزمان اضداد، تضاد را برطرف کند واقعیت زندگی را تحریف کرده است.

2.I and Thou

2. Buber, Martin

اگر این روابط متقابل میان انسانها را نفی بکنیم زمینه را برای بروز استبداد در جامعه فراهم می سازیم و در نبود این همبستگی دوسویه است که دولتمردان، سوداگران و بازرگانان، انسانهای رو در رویشان را به مثابه مجموعه هایی از خدمات و خواسته های قابل بهره برداری تلقی می کنند. فرا - اقتصاد استدلال می کند که در دیدگاه بوبر "من - تو" بر پدیدار یکسان به صورت "هستی متمایز" سرپوش می گذارد. مفهوم هستی متمایز را اول بار خلیل (۱۹۹۰) مطرح کرد.

مبانی جامعه شناختی

گفتیم که در فرا- اقتصاد، مفهوم یکپارچگی نقش کلیدی دارد. این مفهوم بیشتر از آنکه مفهومی اقتصادی به معنای رایج باشد جامعه شناسانه است و به بیان دقیق تر، مفهومی در قلمرو جامعه شناسی اقتصادی است و نزد جامعه شناسان اقتصادی نظیر اسپنسر، دورکیم، پارسونز، وبر و سایرین یافت می شود. از نقطه نظر اهمیت و تقدم تاریخی بایستی دیدگاه های اسپنسر و دورکیم مورد مطالعه قرار گیرند، هرچند در قلمرو اقتصاد، آدام اسمیت، مارکس و کینز نیز به وجوه جامعه شناختی در زندگی اقتصادی پرداخته اند.

هربرت اسپنسر (۱۸۴۰-۱۹۲۰) فرآیند تکامل اجتماعی را بسیار شبیه فرآیند زیستی تلقی می کند؛ هر دو اندامواره اجتماعی و زیستی قابلیت رشد دارند و با افزایش رشدشان، پیچیدگی ساختاری شان افزایش می یابد و نیز هر دو وابستگی متقابل و درونی نزدیکی در اجزاء خود نشان می دهند. اسپنسر دو نوع جامعه، نظامی و صنعتی، را به عنوان دستگاه مفهومی خود برای بررسی سیر تکاملی بشر ارائه می کند: هر چه همکاری و معاضدت میان افراد از حالت اجباری دور شود (جامعه نظامی) به همان میزان همکاری های داوطلبانه زیاد می شود (جامعه صنعتی)؛ زیرا اگر قرار باشد افراد در کنار هم زندگی کنند به ناچار این عمل را از روی میل یا اکراه انجام خواهند داد. اصل یکپارچگی در نظام صنعتی اصل آزادی است اما در جامعه نظامی همکاری های اجباری است. در جامعه صنعتی، افراد با ایجاد توافق های قراردادی به کنش متقابل می پردازند و دلیل حداقل سازی دخالت دولت این است که دخالت دولت فعالیت های داوطلبانه و هماهنگ افراد را مختل می سازد. تصور اسپنسر از جامعه صنعتی شبیه تصور اسمیت از اقتصاد آزاد می باشد (اسمل سر، ۷۸-۸۰).

امیل دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸) در کتاب معروفش "خودکشی" از مفهوم یکپارچگی برای تبیین دلایل خودکشی در جهان مدرن استفاده می کند. ما در اینجا نکاتی را مطرح می کنیم که در راستای مبانی فرا-اقتصاد است. دورکیم بر این باور است که "فرد" یک مفهوم نظری است و با فردی که در جامعه با آن مواجه هستیم کاملاً متفاوت است. مفهوم نظری فرد به قسمت اجتماعی نشده شخصیت فرد اطلاق می گردد، فرد مستقل از زندگی اجتماعی و فردی که در پی تحقق امیال خودخواهانه است. در مقابل، افراد موجود در جامعه، موجودات "اجتماعی" هستند که توسط قواعد اخلاقی هدایت می گردند. جامعه نیز همچون بدن انسان یک سیستم ساختی-کارکردی است به این معنا که اجزاء آن به واسطه تعامل، تبادل، تنظیم و تعدیل دوسویه و یاری رسانی به یکدیگر برای بقا و تداوم حیات کل سیستم مشارکت می کنند. به نظر دورکیم، انسانها ذاتاً دارای امیال و اهدافی هستند و تنها چیزی که می تواند خواهش های ذاتاً سیری ناپذیر آنان را کنترل کند هنجار اجتماعی است. لذا با تضعیف هنجار اجتماعی، خواهش ها از امکانات تحقق شان پیشی گرفته و باعث سرخوردگی افراد شده و آنان را مستعد خودکشی می کند.^۱

مبانی روانشناختی: خود شکوفایی به مثابه هدف

روانشناسی همواره یکی از آبخورهای مهم علم اقتصاد در زمینه تحلیل رفتار مصرف کنندگان و تولیدکنندگان بوده است؛ کوچکتر از یک بودن میل نهایی به مصرف (MPC) دلالت بر یک اصل روانشناختی دارد که توسط کینز مطرح گردید. در فرا-اقتصاد نیز دستاوردهای روانشناختی همچنان مورد استفاده قرار می گیرند. در این نظریه دستیابی به آخرین مرحله از سلسله نیازهای انسان بر اساس نظر مازلو یعنی خودشکوفایی از اصلی ترین اهداف می باشد. ما می دانیم که این نه یک هدف مختص به این نظریه بلکه هدفی برای تمام نظریات اجتماعی می باشد. بنابراین تبیین مفهوم خودشکوفایی در این راستا لازم به نظر می رسد.

افراد خود شکوفا کسانی هستند که واقعیات را به خوبی درک می کنند و قادرند شرایط مبهم را تحمل کنند؛ خود و دیگران را آنچنان که هستند قبول دارند؛ در اندیشیدن و رفتار خود جوش هستند؛ بیشتر مسأله مدار هستند تا خود مدار؛ از بذله گویی برخوردارند؛ بسیار خلاق اند؛ به سادگی همرنگ جماعت نمی شوند اما عمداً نیز

۱. برای مطالعه آرای اقتصاد دانان و جامعه شناسان مذکور می توانید به کتابهای بیان کرایب (۱۳۷۸) و اسمل سر (۱۳۷۶) رجوع کنید.

علیه اداب و رسوم رفتار نمی کنند؛ به شادکامی انسانها علاقمندند؛ از تجربه های اساسی زندگی عمیقاً لذت می برند؛ بیشتر با افراد معدود روابط عمیق و ارضا کننده دارند تا با تعداد زیادی از مردم و قادرند به نحوی عینی به زندگی بنگرند. نمونه افراد خود شکوفا از نظر مازلو عبارتند از: اسپینوزا، توماس جفرسون، اینشتاین، آبراهام لینکلن و الیور روزولت.

عقلانیت اقتصادی و فرا-اقتصاد

آلبرت هیرشمن و سوندبرد در کتاب «اقتصاد و جامعه شناسی» (۱۹۹۰) به تصور موجود در پشتوانه غالب کاربردهای اقتصاد خرد رجوع می کنند که در آن، هر چیزی کمابیش به واسطه تعقیب منفعت شخصی یعنی عمل انسان عقلایی می تواند تبیین گردد. این نگرش، گاهی به طور استهزا آمیزی با "امپریالسم اقتصادی"^۱ مرتبط می گردد یعنی استفاده از اقتصاد خرد برای نشان دادن همه جور کرداری که از انسانها سر می زند یعنی همه جور رفتار انسانی.

فرا-اقتصاد در نظر دارد تا از بر چسب زدن بر هر کردار انسانی فراتر برود و از عقلانیت که در این معنای جزئی ترسیم شده است گامی فراتر بگذارد. به بیان دقیق تر، فرا-اقتصاد، وجه اخلاقی تجربه انسان را با آغوش باز پذیرفته و فرض می کند که منفعت ما یا دیگری نیز به طور عقلایی تعقیب می شود و غالباً تحت تأثیر محاسبات اقتصادی قرار می گیرد. انجام "آنچه درست است" و آنچه یک فرد "باید"^۲ انجام دهد، در یکی سازی پیچیده با آنچه "مایل" است انجام دهد امری عقلایی است. فرد به طور مشترک و همزمان در پی خود نفعی و دیگر نفعی می باشد. شاید یک شخص نتواند یکی را بدون دیگری تعقیب کند (همچون گوسفندی که نمی تواند پشم را بدون گوشت تولید کند). واژه "موجود متمایز" پدیدار می گردد تا فردی را باز نمایان کند که عمیقاً نه فقط خود بلکه همچنین وجدان را نیز واریسی می کند. در همان حال تلاش می کند مهربانی و همدردی نماید. چه بسا حتی نسبت به دیگران با اینارگری و شفقت^۳ برخورد نماید. آدام اسمیت درباره "تماشاگر بیطرف"^۴ (لااقل به طور بالقوه) در درون هر فرد صحبت نمود؛ خود و تماشاگر بی طرف متقابلاً عمل می کنند (برهم کنش خود و تماشاگران بیطرف):

1. Economic imperialism

2. Ought to

1. Compassion

2. Impartial spectator

"موجود متمایز" و رای خود نفعی و نوع دوستی است.¹ "وجود متمایز" در فرا - اقتصاد به مثابه کسی است که دارای مطلوبیت مشترک² است و مطلوبیت را از تعقیب عقلایی لذت/اجتناب³ از درد به دست می آورد و از پیروی از وجدان⁴ مطلوبیت کسب می کند هر چند هر یک ماهیتاً نوع متفاوتی از مطلوبیت و شاید تحویل ناپذیر⁵ هستند. فردی که به تعادل یکپارچه دست می یابد می تواند با حالت "من - تو" متناسب با باور بوبر (۱۹۲۲) توصیف گردد.

فرا - اقتصاد به مثابه علم اقتصاد رفتاری

به نظر می رسد فرا - اقتصاد ما را به سوی اقتصاد رفتاری علمی تری رهنمون می شود که در آن، این مسأله را که منفعت فردی صرفاً "یک نیرو" است نه اینکه آن را تنها نیروی محرک فرض کنیم آزمون می گردد و وجه اخلاقی را که در هنجارها، ارزش ها و وجدان منعکس می شود تصدیق و دیگر نفعی یا "منفعت ما" را به عنوان یک متغیر تعریف می کنیم. در فرا اقتصاد بعد اخلاقی را به مفهوم وسیع تری در نظر می گیریم به نحوی که منظور از آن عقلایی بودن می باشد. ما فرض می کنیم که افراد ممکن است از نظر عقلایی از منفعت فردی به منفعت دیگری و بر عکس نوسان داشته باشند همچنان که ارزش ها دگرگون می شوند. فرض بر آن است که "نوسان"⁶ الزاماً غیر عقلایی نیست بلکه انتقال انرژی را از استقلال به اتحاد بر عکس باز می نمایند. "نوسان" به منظور تغییرات در ابراز "اراده" و در خویشنداری / حکمرانی بر خود⁷ به وجود می آید. در عین حال می پذیریم که ضعف اراده و شکست در یکپارچه سازی روندها ممکن است به حاکمیت برون یا "دگرمختاری" بینجامد.

سازه های "Homonomy" و "Heteronomy" از مبانی نظریه شخصیت آنجل هستند؛⁸ او از اصطلاح "Homonomy" استفاده می کند تا تمایل اساسی دیگری را که

1. Smith(1759) pp.10-25

4. Joint utility

5. Rationality pursuing pleasure / avoiding pain

6. Following the conscience

7. Irreducible

1. Vacillation

2. Self - governance

8. Cambridge(1941)

در شخصیت انسان و رای تمایل به استقلال (تفوق، تعقیب منفرد و جمعی منفعت شخصی) وجود دارد توصیف کند. به این معنا که افراد آرزومند وحدت با دیگران یا برخی آرمانها و شاید حتی با نظم کیهانی¹ و رای خود هستند. در فرا - اقتصاد، ما به رفتار مشاهده شده در تعقیب نفع دیگری اشاره می کنیم که این گرایش عمیق تر را در شخصیت نسبت به وحدت جویی نشان می دهد. در عوض، "Heteronomy" کنش و واکنش متقابل فرد را هم با محیط اجتماعی و هم با محیط طبیعی اش از لحاظ کنترل فرد توصیف می کند. فرد طبیعتاً و عموماً به دنبال "حکمرانی - خود" خواهد بود که از طریق خویشنداری و دگر مختاری کمتر / حاکمیت کمتر برون و کنترل توسط دیگران و محیط به خوبی اطاعت می شود.

فرا - اقتصاد به عنوان موتور محرکه تحلیلی برای اقتصاد نهادی و رفتاری به کار می رود. سنگ بنای فرا - اقتصاد یک نظریه جدید درباره رفتار انسانی است که در برگرفته آخرین نظریات درباره روان شناسی تکاملی و علم اعصاب است؛ فرض بر این است که تثلیث مغز عبارت است از: خود² - عاطفه³ - عقل⁴ (خویشنداری یا اراده). اجزای سه گانه تا حدودی مستقل و در همان حال همزیستانه⁵ تلقی می شوند. فرا - اقتصاد تعارض میان خود و عاطفه را می پذیرد که ذاتی "انسان اندیشمند"⁶ است. فرا - اقتصاد اثبات می کند که غالب انسانها اغلب اوقات به دنبال یکپارچگی و تعادل در نیروهای متضاد خودمحوری و دیگرمحوری هستند. تلاش دارد سازه دست نامرئی را به مثابه وجه تکنیکی علم اقتصاد تکمیل و برای این منظور دقت و مو شکافی در سرمایه اجتماعی از نظر هنجارها و شبکه ها را به مثابه یک سازه تحلیلی در فرا - اقتصاد اضافه می نماید. در این راستا، علم اعصاب، علم اقتصاد، روانشناسی اجتماعی، علوم سیاسی، جامعه شناسی و فلسفه در هم ادغام می شوند و ترمودینامیک به عنوان توصیف گر واقعیت وابستگی متقابل ذاتی پذیرفته می شود و از اینرو مسأله عدالت تفکیک ناپذیر بین نسلی و معاصر که به دلیل وابستگی متقابل به

4. Cosmic order

2. Ego

3. Empathy

4. Reason

1. Symbiotic

6. Homosapiens

وجود می‌آید مورد توجه قرار می‌گیرد. روشهایی بسط یافته‌تر در روانشناسی اجتماعی برای اندازه‌گیری پراکسی‌های مطلوبیت بالقوه چندگانه¹ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فرا - اقتصاد سهم بیشتری از وجه اخلاقی را در چارچوب عقلانیت اقتصادی پوشش می‌دهد و هر دو جزء ابزاری و مؤثر این وجه را قبول می‌کند. در این دیدگاه، افراد غالباً تعهدات اخلاقی را تابعی از محاسبات هزینه - فایده می‌کنند. فرا - اقتصاد همچنان معتقد به چشم انداز اصول فایده‌گرایانه و نموکراتیک با تمرکز بر فرد به عنوان منبع کردار می‌باشد. رابطه بین فردی را به کمک سازه عاطفه و هنجار یعنی ارزش‌های مشترک مورد توجه قرار می‌دهد. بازارها در این دیدگاه نقش بنیادین دارند که در یک جامعه بزرگتر تعبیه شده و جامعه نیز در یک محیط طبیعی قرار گرفته است. فرا - اقتصاد بر این عقیده است که این خویشنداری و اراده است که در نهایت به یک حالت متعادل و یگانه منجر می‌گردد. فرد به مثابه یک موجود متمایز نمودار می‌گردد که در حال متعادل نمودن خود نفعی و دیگر نفعی می‌باشد. رفاه واقعی یک ملت در آن است که هر فردی به یک حالت متمایز برسد. در فرا - اقتصاد اثبات می‌شود که هزینه‌ها و قیمت‌های نسبی، به دلیل داشتن محتوای اخلاقی سوپرکتیو هستند. این دیدگاه محتوای اخلاقی ماده و محتوای مادی امر اخلاقی²، و نیز، هم ماهیت درون‌زا و هم ماهیت برون‌زای وجوه مادی و اخلاقی را می‌پذیرد. یک دستگاه مفهومی صوری با خود، عاطفه و خویشنداری می‌سازد و در نهایت یک موتور تحلیلی برای فرا رفتن از هم نوع دوستی (ایثارگری) و هم خود نفعی پیشنهاد می‌کند.

آدام اسمیت و فرا - اقتصاد

فرا - اقتصاد به آدام اسمیت نیز مدیون است؛ وی خود استاد فلسفه اخلاق بود و احساسات اخلاقی را در "نظریه احساسات اخلاقی"³ بیشتر از کتاب ماندگارش "ثروت ملل"، نشان می‌دهد. اما ثروت ملل نیز به عنوان منبع اصلی تغذیه اقتصاددانان سرشار از گزاره‌هایی در باب اقتصاد و اخلاق است و به همین دلیل مورد استناد ما خواهد بود؛ از دید اسمیت، گرایش به مبادله میان مردم موجب به وجود آمدن تقسیم کار می‌گردد. مبادله در میان جامعه بشری دیده می‌شود و در حیوان یافت نمی‌شود زیرا حیوانات نه از مبادله سر در می‌آورند و نه به قرارداد اجتماعی تن می‌دهند. به نظر اسمیت، آدمی

3. Multiple utility

1. The moral content of the material and the material content of the moral

2. The Theory of Moral Sentiments

بر خلاف حیوانات همیشه نیازمند کمک هموعان خود می باشد و البته این کمک را از حس خیر خواهی آدمیان حاصل نمی کند زیرا «حس خیر خواهی و بشر دوستی گوشت فروش، آبجو ساز و نانوا نیست که غذای ما را تأمین می کند بلکه توجه آنها به نفع خودشان است که موجب این کار می شود» (ابراهیم زاده، ۱۵). فقط گدایان محتاج حس خیر خواهی دیگران اند آن هم نه کاملاً. اما اسمیت اضافه می کند که بخش اعظمی از نیازهای یک گدا از طریق معامله، قرارداد و خرید تأمین می شود یعنی با پول مردم غذا می خرد، لباس های کهنه دیگران را با لباس های کهنه دیگر عوض می کند و الی آخر. هر فرد، با اطمینان از اینکه می تواند مازاد تولیدش را با فرآورده های تولیدی دیگران مبادله کند، تشویق می شود که در یک شغل معینی وارد شده و در آن تخصص حاصل کند. اسمیت می گوید: «تفاوت میان ناهماندترین افراد مثلاً میان یک فرزانه و یا فیلسوف و یک باربر عادی خیابانی، آنقدر که از عادت طرز رشد و آموزش و پرورش ناشی می شود معلول ذات آدمی نیست» (همان، ص ۱۶).

بنابراین میل به مبادله موجب تفاوت و تمایز میان انسان ها شده، در عین حال آنان را نیازمند همدیگر می کند. یک موجود زنده مجبور است مستقلاً زندگی یا از خویش دفاع کند و هیچ نفعی از تنوع استعدادهای هموعانش نمی برد اما در میان آدمیان حتی ناهماندترین شان از نظر مهارت به درد هم می خورند به نحوی که محصول این استعدادهای متفاوت، به دلیل میل به مبادله به یک بازار مشترک آورده می شود و در آن بازار هر کس به اندازه نیازش از محصول نبوغ دیگران خریداری می کند.^۱

پیشینه پژوهش ها درباره فرا- اقتصاد

مقاله اینترنی (۱۹۸۶) درباره مطلوبیت چندگانه تحت عنوان "موردی برای مفهوم مطلوبیت چندگانه" این ایده را بسط داد که می توان با توجه به دو مقوله لذت و اخلاق، دو نوع منحنی بی تفاوتی استخراج کرد. وی در پی یک اقتصاد اجتماعی و علم اقتصادی بود که صریحاً وجه اخلاقی را نمایش دهد.

رگنار فریش (۱۹۶۵) در فصل ۱۴ کتاب «نظریه تولید» با صحبت از محصولات چندگانه ایده هم مقداری های همپوش را که به اشتراک در تولید منجر می شود مطرح کرد و ما آن را می توانیم به حوزه ترجیحات مصرف کننده پیش کشیده و بحث اشتراک در مطلوبیت و جدایی ناپذیری مطلوبیت ها را مطرح کنیم. در اقتصاد خرد رایج توابع

۱. برای تفصیل دقیق تر بحث نگاه کنید به: (Smith 1759)

مطلوبیت جدایی پذیر، اصل خواسته های مستقل را در مورد گروه های کالایی می پذیرد و به ارتباط میان کالاها در داخل هر گروه می پردازد (لیارد، ۱۹۲).

منبع مهم دیگر، روانشناسی انسانگرا/ وجودی می باشد. برنه (۱۹۶۱) و کلارکسون (۱۹۹۲) بر اساس تحلیل رفتار متقابل^۱ در روان درمانی، و لوکس و لوتز (۱۹۸۸) با طرح اقتصاد انسانگرا هر کدام سهمی در توسعه فرا- اقتصاد داشته اند. مازلو (۱۹۵۴) بر اساس سلسله مراتب نیازها معتقد بود فردی که به مرحله خودشکوفایی رسیده است فردی است که تمام دوگانگی ها را در هم می آمیزد. به تعبیری، فرد خودشکوفای "منفعت من" و "منفعت ما" را در هم می تند. آنجل (۱۹۴۱) بر این باور است که فرد در تلاش است تا بر طبیعت و محیط اجتماعی غلبه یابد و لذا در پی خود محوری^۲ است. در همان حال، به دنبال وحدت و ایجاد رابطه با دیگران می باشد^۳. دگر مختاری^۴ همواره وجود دارد اما فرد برای فردیت مبارزه می کند در حالی که نیازمند اتصال به دیگری است.

بر اساس اصول ترمودینامیک جدید، وابستگی متقابل^۵، بهتر از مفهوم استقلال^۶ می تواند واقعیت انسانی را توصیف کند. ما هیچ عملی را بدون اثرگذاری بر مجموعه انتخاب برای آینده، هر چند به طور نامحسوس انجام نمی دهیم.

مقاله « نگاه فرا اقتصاد به سرمایه اجتماعی » اثر مجموعه نویسندگان (۲۰۰۲) نقش دقیق تر سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی و اقتصاد در حالت کلی را با دید فرا - اقتصادی مورد تدقیق قرار می دهد؛ در این مقاله تابع هدف عبارت است از:

$$V = V(I_G, I_M) + \lambda(Y - AOG - PQ)$$

که در آن:

V = پیامد همزیستی حاصل از تعقیب مشترک نفع شخصی (I_G) و نفع دیگری (I_M)

Q = سرمایه اجتماعی

AOG = شمار شگر (سایر کالاها) شامل سرمایه و دیگر کالاها با قیمت واحد می باشد.

1. Transactional analysis

2. Autonomy

3. Homonomy

4. Heteronomy

5. interdependency

6. independence

تابع فوق با توجه به اینکه I_M و I_G تابعی از Q , AOG هستند نسبت به فید درآمد زیر حداکثر می شود:

$$Y = AOG + PQ$$

گری لین، لارنس کاتفورد و کنت اسکریچ (۲۰۰۰) در مقاله شان^۱ مدعی هستند که فرا- اقتصاد یک روش جایگزینی برای صورت بندی مسائل اقتصاد محیطی می باشد چرا که به دنبال یک توازن پویا برای امیال متضاد در انسان می باشد و به وابستگی متقابل انسانها با یکدیگر و با طبیعت قائل است. عدالت بین نسلی نیز به واسطه مدل میان آدمیان و با توجه به حاکمیت محدودیت های کلان بر رفتارهای خرد محقق می گردد.

فرا- اقتصاد و نوآوری

به این سؤال که آیا فرا_ اقتصاد یک نوآوری و ایده بدیعی است، دو پاسخ متفاوت می توان داد: خیر- بله.

خیر، زیرا اگر به "ثروت ملل" آدام اسمیت رجوع کنیم متوجه می شویم که ثروت ملل نه از تعقیب نفع فردی به تنهایی، بلکه از تعقیب مشترک و همزمان نفع شخصی و "نفع ما" نتیجه می گردد. اسمیت فقط نفع شخصی را برجسته تر ساخت اما در همان حال پی به منفعت عمومی نیز برد (ابراهیم زاده، ۲۰-۱۵)

بله، چرا که، این نظریه مجموعه منحنی های بی تفاوتی مبتنی بر "نفع ما" را به نمودار منحنی بی تفاوتی اقتصاد خرد اضافه می کند. "وجدان"^۲ را در مصرف کننده و تولید کننده می پذیرد و آنرا به استدلال استاندارد اقتصادی در مدلها اضافه می کند. در مجموع باید گفت، نظریه فرا- اقتصاد به "انسان سه ساحتی"^۳ باور دارد؛ این ساحت ها عبارتند از: "استقلال، اتحاد، و دگرسالاری". به هر حال، می توان استدلال کرد که ایده ها هرگز بدیع نیستند؛ بلکه فقط در یک صورت بندی جدید جای می گیرند.

جمع بندی و نتیجه گیری

فرا_ اقتصاد یک مفهوم و نظریه جامعه شناختی_ اقتصادی است در باب رفتار عاملان اقتصادی، که در نظر دارد با ملاحظه اخلاق و اقتصاد به طور همزمان و مشترک بین این دو قلمرو مجدداً آشتی برقرار کرده و رفتار انسانها را بر اساس تعقیب مشترک نفع شخصی و نفع

1. Balancing the Egoistic and Empathic Tendencies While Seeking Agrobiodiversity: Testing Metaeconomics Theory

1. Conscience

2. Tri-partite human

دیگری، به مثابه یک رفتار عقلایی، تبیین کند. انسانها همواره در ارتباط متقابل با یکدیگر و با طبیعت هستند و جامعه یک کل متشکل از اجزای درهم تنیده را تشکیل می دهد. چنین ایده ای هم در نزد اقتصاددانانی نظیر اسمیت، کینز و مارکس یافت می شود و هم جامعه شناسان برجسته مانند اسپنسر، دورکیم و پارسونز به پیدایش آن کمک کرده اند. این نظریه نوزادی بیش نیست و نیازمند پژوهش هایی دقیق تر و مفصل تر می باشد. همچنین این نظریه دارای قابلیت های کاربردی فراوانی می باشد و امید است با بسنده نکردن به عنوان ظاهری آن در مقام نظریه انتزاعی، که پیش بینی می شود چنین برداشت اشتباهی صورت گیرد، حق سخن در این باب ادا گردد. این نوشتار فقط در صدد معرفی فرا_اقتصاد و آشنایی محققین با مفاهیم و ابزارهای تحلیلی آن بود و امید داریم از عهده این وظیفه برآمده باشد.

فهرست منابع

۱. اتکلینسون، زیتا؛ اتکلینسون، ریچارد؛ هیلگارد، ارنست (۱۳۸۰) «زمینه روانشناسی»؛ ج دوم، مترجمان، تهران، انتشارات رشد، ص ۱۰۴.
۲. اسمل سر، نیل. جی (۱۳۷۶) «جامعه شناسی اقتصادی»؛ ترجمه: محسن کلاهچی، تهران، انتشارات کویر.
۳. اسمیت، آدام (۱۳۵۷) «ثروت ملل»؛ ترجمه سیروس ابراهیم زاده، انتشارات پیام.
۴. بوبر، مارتین (۱۳۷۸) «من و تو؛ رابطه میان انسان، جهان و خدا»؛ ترجمه: خسرو ریگی، تهران، انتشارات جیحون.
۵. پیرو، آلن (۱۳۷۵) «فرهنگ علوم اجتماعی»؛ ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
۶. دورکیم، امیل (۱۳۷۸) «خودکشی»؛ ترجمه: نادر سالارزاده، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. رالز، جان (۱۳۸۳) «عدالت به مثابه انصاف»؛ ترجمه: عرفان ثابتی، تهران، ققنوس.
۸. کرایب، یان (۱۳۷۸) «نظریه اجتماعی مدرن؛ از پارسونز تا هابرماس»؛ مترجم: عباس مخبر، تهران، آگاه.
۹. گری، جان (۱۳۷۹) «فلسفه سیاسی هایک»؛ مترجم: خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو.
۱۰. لیارد، پی. آر. جی. و والترز، ا.ا. (۱۳۷۷) «تئوری اقتصاد خرد»؛ ترجمه: عباس شاکری، تهران، نشر نی.
۱۱. مولر، هارولر (۱۳۷۹) «نظریه سیستم های لومان به مثابه نظریه ای در باب مدرنیته»؛ ترجمه: مراد فرهادپور، فصلنامه ارغنون، ش. ۱۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، زمستان.
۱۲. متوسلی، محمود (۱۳۸۲) «توسعه اقتصادی؛ مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش شناسی»؛ تهران، سمت.
۱۳. واریان، هال (۱۳۷۸) «تحلیل اقتصاد خرد»؛ ترجمه: رضا حسینی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
۱۴. هایک، فون (۱۳۸۰) «قانون، قانونگذار و آزادی»؛ مترجمان: موسی غنی نژاد و مهشید معیری، تهران، طرح نو.

۱۵. هندرسن، جیمز، و ریچارد ا. کوانت (۱۳۸۱) «تئوری اقتصاد خرد»؛ ترجمه: مرتضی قره باغیان و جمشید پژویان، تهران، مؤسسه رسا.
16. Angyal, A. (1941). "Foundation for a Science of Personality"; Cambridge University Press.
17. Authers (2002) "A Metaeconomics Look at Social Capital and the Decision to Stay in a Rural Community"; Working Paper: www.metaeconomics.com.
18. Berne, E. (1961) "Transactional Analysis in Psychotherapy"; New York: Grove Press, 1.
19. Buber, Martin (1970). "I and Thou" a new translation with a prologue and notes, by Walter Kaufman, Charles Scribner's Sons, New York.
20. Clarkson, P. (1992) "Transactional Analysis Psychotherapy"; New York: Tavistock / Routledge.
21. Etzioni, A. (1986) "The Case for a Multiple-Utility Conception"; Econ. and Philos. 2.
22. Frisch, R. (1965) "Theory of Production"; Chicago: Rand McNally and Company.
23. Gary D. Lynne, Laurence B. Cutforth and Kent M. Eskridge (2000) "Balancing the Egoistic and Empathic Tendencies While Seeking Agrobiodiversity: Testing Metaeconomics Theory"; university of Nebraska-Lincoln.
24. Hayek, F. A. (1948) "Individualism and Economic Order Chicago: the university of Chicago Press (paperback edition 1980).
25. Lutz, M. A. and Lux, K. (1988) "Humanistic Economics: The New Challenge"; New York: Intermediate Technology Development Group.
26. Lynne, G. D. (1999) "Divided Self Models of the Socioeconomic Person: the Metaeconomics approach". Journal of Socioeconomics, Vol. 28, pp 267-288.
27. Maslow, A. (1954) "Motivation and Personality"; New York: Harper Row.
28. Palgrave, R. (1988) "The new Palgrave: a Dictionary of Economics". vol. 1 & 2.

-
29. Swedberd, Richard (1990) "Economics & Sociology"; Princeton, NJ: Princeton University Press.
 30. Smith, A. (1759) "The Theory of Moral Sentiments"; A. Millar, Edinburgh, A. Kincaid & J. Bell, London: Second edition, revised: 1761.
 31. (1992) The American Heritage Dictionary of the English Language". 3rd edition, Houghton Mifflin Co.
 32. (1963) Webster's New Collegiate Dictionary"; G. & C. Merriam Co. Springfield, U.S.A. Massachusetts.
 33. www.metaeconomics.com